

فهرست

دین و زندگی دهم

تست	درس نامه	
۱۶	۸	درس اول هدف آفرینش
۲۹	۲۱	درس دوم پر پرواز
۴۳	۳۷	درس سوم پنجره‌ای به روشنایی
۵۸	۵۰	درس چهارم آینده روشن
۷۲	۶۷	درس پنجم منزلگاه بعد
۸۳	۷۸	درس ششم واقعه بزرگ
۹۶	۸۹	درس هفتم فرجام کار
۱۱۰	۱۰۳	درس هشتم آهنگ سفر
۱۲۱	۱۱۵	درس نهم دوستی با خدا
۱۳۵	۱۲۸	درس دهم یاری از نماز و روزه
۱۴۶	۱۴۲	درس یازدهم فضیلت آراستگی
۱۵۴	۱۵۰	درس دوازدهم زیبایی پوشیدگی

دین و زندگی یازدهم

	۱۶۰	بخش اول تفکر و اندیشه
۱۶۸	۱۶۲	درس اول هدایت الهی
۱۸۲	۱۷۴	درس دوم تداوم هدایت
۱۹۶	۱۹۰	درس سوم معجزه جاویدان
۲۱۰	۲۰۲	درس چهارم مسئولیت‌های پیامبر ﷺ
۲۲۷	۲۱۹	درس پنجم امامت، تداوم رسالت
۲۴۳	۲۳۶	درس ششم پیشوایان اسوه
۲۵۳	۲۴۸	درس هفتم وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رسول خدا ﷺ
۲۶۴	۲۵۹	درس هشتم احیای ارزش‌های راستین
۲۷۹	۲۷۰	درس نهم عصر غیبت
۲۹۴	۲۸۷	درس دهم مرجعیت و ولایت فقیه
	۳۰۱	بخش دوم در مسیر
۳۰۸	۳۰۲	درس یازدهم عزت نفس
۳۱۸	۳۱۳	درس دوازدهم پیوند مقدس
	۳۲۵	پاسخنامه تشریحی
	۴۱۴	پاسخنامه کلیدی

بهره‌های به‌روشنایی

آشنایی با دو دیدگاه در خصوص مرگ و آثار پذیرش هر یک از آن دو دیدگاه



مفاهیم اصلی

ابعاد وجودی انسان

دیدگاه پیامبران الهی دربارهٔ مرگ و آثار آن

دیدگاه منکرین معاد و آثار آن

سؤالات اصلی درس

در درس قبل، به معرفی برخی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان برای رسیدن به هدف خلقت پرداختیم. ما برای استفاده از این سرمایه‌ها فرصت محدودی داریم. فرصتی که با مرگ انسان پایان می‌یابد. هر انسانی که پا به عرصهٔ وجود می‌گذارد، در یکی از مراحل زندگی، مرگ به سراغش خواهد آمد و پروندهٔ زندگی او را در این دنیا خواهد بست؛ بنابراین انسان را از مرگ گریزی نیست. چیستی مرگ و آیندهٔ انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که در طول تاریخ، ذهن عموم انسان‌ها را به خود مشغول کرده است و آنان کوشیده‌اند تا به این پرسش‌های اساسی و سرنوشت‌ساز پاسخ دهند:

- چه سرانجامی در انتظار انسان است؟
 - آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می‌شود؟ یا پس از آن زندگی به شکل دیگری ادامه می‌یابد؟
- در این درس، علاوه بر شناخت اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در پاسخ به پرسش‌های بالا، به پیامدهای اعتقاد به هر یک از آن‌ها در زندگی می‌پردازیم.

انسان با این سؤال مهم و اساسی روبه‌روست که «آیندهٔ او چگونه است؟» و «آیا زندگی او با مرگ تمام می‌شود یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟»

۳- ارتباط مفهومی

سؤال در خصوص چیستی مرگ و آیندهٔ انسان در ابیات زیر نیز مورد توجه قرار گرفته است:

روزها فکر من این است و همه شب سختم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

۱- توضیح

در درس اول گفتیم که آفرینش انسان هدفدار بوده و هدف آن تقرب به خداست. در درس دوم سرمایه‌های انسان برای رسیدن به این هدف بیان شد. در این درس به مرگ و محدودبودن فرصت انسان برای استفاده از این سرمایه‌ها در جهت رسیدن به هدف اشاره می‌شود و مهم‌ترین دیدگاه‌ها در مورد زندگی پس از مرگ و نتایج و ثمرات آن گفته می‌شود.

۲- نکتهٔ ترکیبی

(درس ۱. یازدهم) یکی از نیازهای برتر و اساسی انسان، «درک آیندهٔ خویش» است.

دو دیدگاه

- هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد و پروندهٔ زندگی چندین ساله‌اش با مرگ بسته می‌شود، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟ آیا یکباره راهی دیار فنا و نیستی می‌شود؟ اگر چنین است، پس داستان زندگی انسان پایانی اندوهناک دارد. اما اگر بعد از مرگ، جهان دیگری در کار است و آدمی با مرگ، نیست و نابود نمی‌شود، در آن جا چه سرنوشتی خواهد داشت؟
- دربارهٔ زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد: **۱** اعتقاد به معاد، **۲** انکار معاد.

توضیح

می‌گویند که مرگ آغاز حیات برتر است. این، دیدگاه پیامبران الهی است.

در مواجهه با مرگ، دو دیدگاه کلی وجود دارد: یک دیدگاه که دیدگاه منکران معاد است، می‌گوید که مرگ پایان زندگی است و دیدگاه دیگر

۱- اعتقاد به معاد

ابعاد وجودی انسان

- دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان می‌دهد که انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است.

زندگی‌های بعد جسمانی (غیر مجرد)

- بعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است.
- سرانجام فرسوده و متلاشی می‌شود.

ارزگی های بعد روحانی و غیر جسمانی (مجرد)

- تجزیه و تحلیل نمی پذیرد.
- متلاشی نمی شود.
- بعد از مرگ بدن، باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد.

آیین دیدگاه پیامبران الهی

- پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند؛ بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان تر برای روح انسان می دانند.
- یا مرگ را پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می کند.

رسول خدا ﷺ در این باره می فرماید: برای نابودی و فنا خلق نشده اید، بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می شوید.

رسول خدا ﷺ از ایشان پرسیدند: باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند.

رسول خدا ﷺ در این دیدگاه، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می یابد. آن گونه که پیامبر می فرماید: «التَّائِسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهَوْا: مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بمیرند، بیدار می شوند.»

- قرآن کریم نیز این گونه بر کم ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می کند: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

۶- ارتباط معنایی
 هر سه حدیث که بیانگر دیدگاه معتقدین به معاد است با دو آیه ای که در ادامه درس آمده و آن دو نیز به این دیدگاه اشاره دارند، ارتباط معنایی دارد: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ و ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
 ۷- نکته ترکیبی (۱)
 (درس ۵- دهم) با توجه به «توقی» روح که، بعد از مرگ باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد، در عالم برزخ متوجه کاستی ها و کمبودهای عمل صالح خود می شود و درخواست بازگشت به دنیا برای جبران آن را می کند: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعْنِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾
 ۸- نکته ترکیبی (۲)
 (درس ۲- یازدهم) یکی از محورهای اصلی دعوت تمام پیامبران که آورنده دین واحد بوده اند، ایمان به سرای آخرت و پاداش و حسابرسی عادلانه است.
 ۹- نکته ترکیبی (۳)
 (درس ۱۱- یازدهم) حدیث نخست به ارزش بالای جایگاه انسان نیز اشاره نموده و خلقت او را برای بقا اعلام نموده است. همین مطلب در حدیث: «آته لیس لانفسکم ثمنٌ الا الجنة فلا تبیعوها الا بها: همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست پس خود را به کم تر از آن نفروشید.» نیز اشاره شده است.
 ۱۰- نکته ترکیبی (۴)
 (درس ۶- دوازدهم) آیه شریفه ﴿كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَالْبِنَا تَرْجِعُونَ﴾ بیانگر حتمی بودن مرگ برای همگان و معاد است.

۱- توضیح
 بعد غیر جسمانی یا روحانی یا مجرد انسان، تغییر و دگرگونی می پذیرد بدین معنا که کمالات کسب می کند یا آلوده به رذائل اخلاقی می شود، ولی تجزیه و تحلیل، فرسایش و استهلاک و تلاشی پذیری از آن دور است و مصون از این اوصاف می باشد. بنابراین برای روح، فقط تغییر ممکن است. در دیدگاه همه پیامبران الهی، مرگ پایان زندگی نیست بلکه انتقالی از یک مرحله به مرحله عظیم تر و بزرگ تر است. دقت کنید که اصطلاح «غروب» برای جسم و «طلوع» برای روح به کار رفته است.
 ۲- رابطه علت و معلولی
 علت آن که در دیدگاه پیامبران الهی، مرگ پایان زندگی نیست، وجود روح در انسان و آگاهی او در تمام مراحل حیات است.
 ۳- پیام حدیث (۱)
 در حدیث نخست، به دیدگاه پیامبران الهی در مورد معاد اشاره شده است و دیدگاه فانی و گذرابودن در خصوص انسان رد شده است، بلکه انسان را موجودی باقی و مرگ را پلی می داند که آدمی را از دنیای به آخرت منتقل می کند.
 ۴- پیام حدیث (۲)
 در حدیث دوم، دو ویژگی برای باهوش ترین مؤمنان ذکر شده است: (۱) فراوان به یاد مرگ بودن، (۲) آماده کردن خود برای مرگ به بهترین نحو. ویژگی دوم در آیه: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ...﴾ نیز آمده است.
 ۵- پیام حدیث (۳)
 در حدیث سوم، زندگی دنیایی به خواب تشبیه شده است و وجه شباهت هر دو، کوتاه و گذرابودن است و سپس بیان شده که پس از مرگ، انسان ها از این خواب بیدار می شوند. این سخن بیانگر آگاهی و



سوره عنكبوت، آیه ۶۴

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ
این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست
وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
و سرای آخرت، زندگی حقیقی است، اگر می‌دانستند.

تفاوت میان دنیا و آخرت و ترسیم چهره حقیقی آن دو

و ما هذه الحياة الدنيا آلا لهو و لعب:
کم‌ارزش و موقتی بودن زندگی دنیا

وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ:
حیات برتر و حقیقی در آخرت

۱- و ما هذه الحياة الدنيا آلا لهو و لعب: «لهو» به سرگرمی‌هایی گفته می‌شود که انسان را از هدف اصلی و مسائل اساسی بازمی‌دارد و «لعب» انجام کاری مثل بازی است که قصدی در آن نیست.

با توجه به این دو کلیدواژه، قرآن کریم بر کم‌ارزش بودن و حقارت دنیا اشاره کرده است، یعنی زندگی دنیوی بدون سرای آخرت، لهو و لعب خواهد بود و اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل و منحصر نگاه شود، چیزی جز لهو و لعب نیست و انسان به کارهایی مشغول می‌شود که او را از کارهای مفید و اساسی بازمی‌دارد.

البته باید توجه داشت که قرآن با تعبیر لهو و لعب نمی‌خواهد ارزش مواهب دنیوی را نفی کند، بلکه می‌خواهد یک مقایسه بین ارزش زندگی دنیوی در برابر آخرت را مجسم کند و از طرفی به انسان هشدار دهد که دنیا را به عنوان هدف اصلی خود انتخاب نکند.

بنابراین در این عبارت، قرآن کریم چهره واقعی دنیا را نشان داده و تعریف وحی الهی از دنیا، سرگرمی و بازی است که شایسته دل‌بستن نیست. ۲- و ان الدار الآخرة لهی الحيوان: با توجه به عبارت: «الدار الآخرة» می‌فهمیم که خداوند، فقط همین دنیا را نیافریده است، بلکه آخرتی نیز وجود دارد. طبق این آیه، میان دنیا و آخرت تفاوت‌های مهمی وجود دارد.

حیات واقعی، حیات آخرت است در صورتی که دنیا به تنهایی، لهو و لعب است. این دو مفهوم نشان‌دهنده تقدم و برتری آخرت بر دنیا است. کلمه: «الحيوان» که ناظر بر حقیقی بودن آخرت است، عظمت آن را نشان می‌دهد.

۳- لو كانوا يعلمون: منکران معاد و غافلان از آن، حقیقت آخرت را نمی‌دانند، وگرنه به دنیا دل نمی‌بستند. بنابراین شرط توجه به آخرت، علم و آگاهی از حقیقت هر دو و مقدم قراردادن آخرت است.

۴- ارتباط مفهومی: این آیه از آن‌جا که به مفهوم «حقیقی بودن زندگی آخرت» اشاره دارد با حدیث: «التاس نیام فاذا ماتوا انتبهوا» ارتباط مفهومی دارد.

از طرف دیگر از آن‌جا که با عبارت: «لهو و لعب» بر گذرابودن زندگی دنیوی اشاره دارد و با عبارت: «ان الدار الآخرة لهی الحيوان» بر باقی بودن آخرت، با حدیث: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید» ارتباط مفهومی دارد.

۵- نکته ترکیبی (۱): (درس ۱-دهم) حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «ای مردم... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند و او را به خود و انگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش پردازد» این حدیث نیز زندگی دنیایی را لغو و لهو می‌داند که شایسته هدف قراردادن نیست. در آیه ۶۰ سوره قصص: «آن‌چه به شما داده شده کالای زندگی دنیا و آرایش آن است و آن‌چه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید.» نیز خداوند به مقایسه دنیا و آخرت می‌پردازد و برتری آخرت را بیان می‌کند.

۶- نکته ترکیبی (۲): (درس ۴-دهم) آیات: ﴿لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ و ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ نیز به وجود سرای آخرت اشاره دارند.

آثار اعتقادی معاد

ایجاد امید، نشاط و انگیزه‌ها

■ با این دیدگاه، پنجره امید و روشنائی به روی انسان باز می‌شود و شور، نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرامی‌گیرد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

■ این شور و نشاط به این دلیل است که وی می‌داند که هیچ‌یک از کارهای نیک او در آن جهان بی‌پاداش نمی‌ماند. حتی اگر آن کارها به چشم کسی نیاید و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آن‌ها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

■ چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همتی خستگی‌ناپذیر می‌شود و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هر چه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.

۱- کلیدواژه

نخستین پیامد و ثمره یا نتیجه اعتقاد به معاد، شامل مفاهیم زیر است: ایجاد امید، شور و نشاط و انرژی فوق‌العاده - ایجاد انگیزه فعالیت و کار - انجام کار نیک و خدمت به خلق خدا - اعتقاد به رسیدن پاداش اعمال خود و عدل الهی

۲- رابطه علت و معلولی

از کلمه «به این دلیل است» می‌فهمیم که: اعتقاد به عادلانه بودن نظام پاداش و جزای الهی و بی‌پاداش نبودن اعمال نیک نزد خدا: علت و ایجاد شور و نشاط و امید و روشنائی در انسان: معلول و نتیجه آن است.

۳- نکته ترکیبی

(درس ۴.۴.دهم) یکی از دلایل ضرورت معاد، عدل الهی است. خداوند وعده داده که هر کس را به آن چه استحقاق دارد، برساند و حق کسی را ضایع

نگرداند: ﴿مَنْ جَعَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ کسی که معتقد به معاد است، به چنین عدلی اطمینان دارد و در نتیجه دارای شور و نشاط در زندگی است.

سوره مائده، آیه ۶۹

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا
هر کس به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد و کار شایسته انجام دهد
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
پس نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

تلاش و کار در راه خدا و نداشتن خوف و اندوه نسبت به آینده از آثار اعتقاد به معاد

من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً:
ایمان به خدا و روز رستاخیز و انجام کار نیک: علت

فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون:
نداشتن ترس و اندوه: معلول

- ۱- **من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً:** با توجه به عبارت: «اليوم الآخر»، خداوند فقط همین دنیا را نیافریده و آخرت نیز هست. در این عبارت، سه شرط ذکر شده است: (۱) ایمان به خدا، (۲) ایمان به جهان آخرت، (۳) عمل صالح. طبق این آیه، ایمان از عمل جدا نیست. با توجه به این که در این آیه به عمل صالح اشاره شده، درمی یابیم که ایجاد شور، نشاط و انگیزه فعالیت و کار از نتایج دو شرط نخست یعنی ایمان به خدا و روز آخرت است.
- ۲- **فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون:** کسانی در این جهان دچار اندوه (حزن) و ترس (خوف) از عاقبت زندگی خود نمی شوند که سه شرط قبل را داشته باشند. بنابراین آرامش واقعی در سایه ایمان و عمل صالح است و مزه دوری از حزن و ترس بهره افرادی است که هر سه شرط قبل را با هم دارند.
- ۳- **رابطه علت و معلولی:** این آیه به صورت شرط آمده است. بنابراین نشان دهنده رابطه علت و معلولی است. ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح شروط یا علت هستند و دوری از حزن و ترس معلول می باشد. وقتی می گوید: «پس نه ترسی بر آنهاست.» این رابطه علت و معلولی برداشت می شود. در نتیجه، ثمره ایمان به خدا و معاد، همراه با عمل صالح، دوری از حزن و ترس است یا دوری از حزن و ترس، مشروط به ایمان و عمل صالح است.
- ۴- **ارتباط مفهومی:** این آیه که به تلاش برای انجام کار نیک اشاره دارد (عمل صالحاً) با حدیث: «باهوش ترین مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگاند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند» ارتباط معنایی دارد.
- ۵- **نکته ترکیبی (۱):** (درس ۱.۱.دهم) آیات «و آن کس که سرای آخرت را بتبلید و برای آن سعی و کوشش کند، پاداش داده خواهد شد» و «و بعضی می گویند: پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار.» اینان از کار خود نصیب و بهره ای دارند و خداوند سریع الحساب است.» بیانگر دیدگاه معتقدان به معاد همراه با عمل و پیامد آن یعنی برخورداری از پاداش الهی است.
- ۶- **نکته ترکیبی (۲):** (درس ۹.۹.دوازدهم) دو معیار اول تمدن متعالی اسلامی توحید و معادگرایی است که در آیه ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ نیز به آن ها اشاره شده است.

۲- نرسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا

- انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، اما به آن دل نمی سپرند؛ از این رو مرگ را ناگوار نمی دانند.
- آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند.
- نرسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.
- از طرف دیگر، همین عامل (نرسیدن از مرگ) سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان ها را هموار کنند.

امام حسین علیه السلام آن گاه که در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود: من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم.

امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود فرمود: مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت های پهناور و نعمت های جاوید عبور می دهد. پس کدام یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟

۱- کلیدواژه

دومین پیامد و ثمره یا نتیجه اعتقاد به معاد شامل مفاهیم زیر است: نترسیدن از مرگ - دل‌ن سپردن به دنیا - ناگوار ندانستن مرگ - طلب عمر طولانی برای خدمت به خلق و ملاقات خدا با اندوخته کامل‌تر - دفاع از حق و مظلوم - استقبال از شهادت در راه خدا

۲- رابطه علت و معلولی

از کلمه «از این رو» می‌فهمیم که: دل‌ن سپردن به دنیا: علت و ناگوار ندانستن مرگ: معلول و نتیجه آن است، یعنی خداپرستان بدان جهت که به دنیا وابسته نیستند و به آن دل‌ن سپرده‌اند، مرگ برایشان ناگوار و سخت نیست. هم‌چنین در قسمت آخر از کلمه «سبب می‌شود» می‌فهمیم که: نترسیدن از مرگ: علت و آسان‌شدن دفاع از حق و فداکاری در راه خدا معلول و نتیجه آن است.

۳- پیام حدیث (۱)

با توجه به حدیث نخست، علت آن که امام حسین علیه السلام مرگ را سعادت معرفی نموده‌اند، ننگ و خواری زندگی دنیا با ظالمان و ضروری بودن فداکاری در راه خدا برای دفاع از حق است.

۴- پیام حدیث (۲)

حدیث دوم، بیانگر دیدگاه پیامبران الهی است. مرگ انسان را از دنیا که به تعبیر امام حسین علیه السلام، ساحل سختی‌ها است به آخرت که ساحل سعادت و کرامت و نعمت است، عبور می‌دهد و انسان معتقد به چنین دیدگاهی، نه تنها از مرگ هراسی ندارد، بلکه به استقبال آن می‌رود.

۵- پیام مشترک

پیام هر دو حدیث، دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا از پیامدهای نترسیدن از مرگ در دیدگاه پیامبران الهی است.

۶- نکته ترکیبی

(درس ۱۱- یازدهم) دفاع از حق و استقبال از شهادت، هنگامی که حیات دنیا جز ننگ و ذلت نباشد، در این دو حدیث نیز آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپ بگذارند، از راه حق دست برنمی‌دارم و تسلیم نمی‌شوم.» و امام حسین علیه السلام: «مرگ باعزت از زندگی باذلت برتر است.»

۲- انکار معاد

تبین دیدگاه منکرین معاد

- گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند.
- در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾

۱- توضیح

مطابق این دیدگاه، جهان و انسان، غایت و هدف ندارد، زیرا جهان فاقد سازنده حکیم و خبیر است. زندگی انسان نیز با مرگ پایان می‌پذیرد و بدن او فرسوده می‌شود و به اجزای خاک تبدیل می‌گردد.

۲- رابطه علت و معلولی

منکرین معاد، حقیقت وجود انسان را جسم و تن او می‌دانند و به همین علت، مرگ را پایان زندگی می‌دانند. بنابراین قائل بودن به جسم به عنوان حقیقت وجودی انسان: علت و بسته‌شدن پرونده زندگی با مرگ و نابودی جسم او: معلول و نتیجه آن است.

۳- نکته ترکیبی (۱)

(درس ۱-دهم) آیات زیر همگی بیانگر دیدگاه منکرین معاد است: «آن کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و

به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد تا با خواری و سرافکندگی در آن وارد شود.»
«و بعضی از مردم می‌گویند: خدایا در دنیا به ما نیکی عطا کن ولی در آخرت بهره‌ای ندارند.»

۴- نکته ترکیبی (۲)

(درس ۴-دهم) یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای دست به انکار معاد بزنند، این است که چنان واقعه بزرگی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و چون آن را امری بسیار بعید می‌یابند، به انکار آن می‌پردازند. از این رو، قرآن یکی از انگیزه‌های انکار معاد را نشان دادن قدرت خدا معرفی می‌کند. طبق آیات قرآن، از دلایل دیگر انکار معاد، غرق شدن در نعمت‌های دنیایی، اصرار ورزیدن بر گناه و تجاوز از حدود الهی است.

سوره جاثیه، آیه ۲۴

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا
[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست.
نَمُوتُ وَنَحْيَا
همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم
وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ
و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.
وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ
البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند
إِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ
بلکه فقط ظن و خیال آنان است.

انکار معاد و منحصر کردن زندگی به همین دنیا

ما هي إلا حياتنا الدنيا: منحصر کردن زندگی به دنیا

نموت و نحيا: انکار معاد

و ما يهلكنا إلا الدهر: معرفی گذشت روزگار به عنوان عامل نابودی

ما لهم بذلك من علم: خالی بودن عقیده کافران از علم و منطق

إن هم إلا يظنون: گمان و خیال، اساس عقیده کافران

- ۱- و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا: این آیه در مورد کافران است که اعتقاد آنان توصیف شده است: معاد را انکار می‌کردند و می‌گفتند حیاتی جز همین زندگی دنیایی نیست، یعنی منکر قیامت می‌شوند و زندگی را در حیات کوتاه دنیا محصور می‌دانند: عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصرکردن زندگی به همین زندگی دنیایی. مفهوم انحصار از کلمه «آلا» برداشت می‌شود.
- ۲- نموت و نحیا: مقصود از «نموت و نحیا» این است که عده‌ای می‌روند و می‌میرند و عده‌ای قدم به عرصه حیات می‌گذارند و جای آن‌ها را می‌گیرند، یعنی کافران با بیان این عبارت، بر عدم اعتقاد به آخرت تأکید می‌کنند که هر چه حیات و مرگ است، منحصر به همین دنیا می‌باشد.
- ۳- و ما یهلکنا الا الدهر: «دهر» به معنای گذر زمان دنیا است. کافران معتقدند که: گذر عمر، مایه مرگ و هلاکت انسان است. بنابراین با توجه به این عبارت، آنان علاوه بر انکار معاد، وجود مبدأ و خالق را هم انکار می‌کنند، زیرا فاعل حوادث عالم را دهر و روزگار می‌دانند، نه خالق حکیم.
- ۴- و ما لهم بذلك من علم: منکران معاد، برای انکار خود، منطق و علم ندارند و قرآن در پاسخ به آنان می‌گوید که هیچ گواه و منطقی برای اثبات ادعای خویش ندارند.
- ۵- ان هم الا یظنون: قرآن کریم پس از رد علمی بودن اعتقاد کافران، عقاید آنان را براساس پندار و گمان بی‌ارزش، اعلام نموده است و به آنان می‌گوید که جز ظن و خیال چیز دیگری ندارند.
- ۶- نکته ترکیبی: (درس ۴، دهم) در آیه: «گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟» نیز به اعتقاد منکران معاد و بعیددانستن قیامت از سوی آنان اشاره شده است.

آثار انکار معاد

فراموشی و غفلت از مرگ

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند. روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرورفتن در گرداب آلودگی‌ها نخواهد داشت.

بی‌ارزش شدن زندگی مادی و گرفتاری به یأس و ناامیدی

گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چند روزه نیز برایشان بی‌ارزش می‌شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهند؛ از دیگران کناره می‌گیرند و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می‌افزاید.

غفلت از آخرت در دنیای امروز

البته این آثار و پیامدها (آثار انکار معاد)، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این‌رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

گرایش درونی «میل به جاودانگی» و «بی‌نهایت‌طلبی» در انسان بیان کرده است. بنابراین بی‌نهایت‌طلبی و میل به جاودانگی: علت و غفلت از مرگ یا بی‌ارزش شدن زندگی دنیایی: معلول و نتیجه آن است. هم‌چنین از کلمه «در نتیجه» می‌فهمیم که: بی‌ارزش شدن زندگی دنیایی: علت و گرفتاری به یأس و ناامیدی و از دست دادن شادابی و نشاط: معلول و نتیجه آن است. از کلمه «به دلیل» نیز می‌فهمیم که فرورفتن در هوس‌ها: علت و قراردادن دنیا به عنوان معبود و هدف خود و غفلت از آخرت: معلول و نتیجه آن است و هر دوی این موارد نیز علتی برای آن است که زندگی و رفتار آنان با منکران معاد مساوی باشد.

۳- نکته ترکیبی

(درس ۳، دوازدهم) فرورفتن در هوس و دنیا را معبود و هدف خود قراردادن، از مصادیق شرک عملی است.

۱- توضیح

در این قسمت، از دو گروه سخن گفته شده است:

- ۱) گروهی که مرگ را فراموش می‌کنند یا از آن غافل‌اند.
 - ۲) گروهی که نمی‌توانند آن را فراموش کنند و دچار یأس و ناامیدی و انواع بیماری‌های روحی می‌شوند.
- آثار و پیامدهایی که برای منکرین معاد بیان شد، عبارت‌اند از: بی‌ارزش شدن زندگی دنیا و گرفتاری به یأس و ناامیدی و بیماری‌های روحی یا غفلت و فراموشی مرگ و سرگرم کردن خود به هر کاری. این آثار شامل کسانی که اعتقاد به معاد، در آن‌ها به ایمان تبدیل نشده نیز می‌شود. منظور از ایمان، مرتبه‌ای از اعتقاد است که وارد قلب شده و در اعضا و جوارح فرد و کارهای او نمایان گشته است.

۲- رابطه علت و معلولی

ابتدای عبارت، علت هر دو واکنش برای منکرین معاد را وجود دو

فعالیت کلاسی

- ۱- آیا گروهی که راه بی‌توجهی و غفلت از مرگ را پیش می‌گیرند، شیوه درستی را انتخاب کرده‌اند؟ چرا؟ خیر، نباید از آن‌چه واقعی است و حتماً اتفاق خواهد افتاد، فرار کرد، زیرا فرار از آن معنا ندارد. فرار از مرگ همان به سوی آن رفتن است. علاوه بر این فرار از مرگ سبب می‌شود که انسان خودش را برای آن آماده نکند و در وقت مواجهه با مرگ زیان ببیند، آن هم یک زیان واقعی که قابل جبران نیست.
- ۲- با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید؟ جریانات انحرافی مانند شیطان‌پرستی و فساد گسترده میان مردم و اختلاف طبقاتی بسیار زیاد میان قشر ثروتمند و فقیر و ...

اندیشه و تحقیق

- ۱ چرا برخی از افراد با این که می‌گویند آخرت را قبول دارند، در زندگی خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟ زیرا ممکن است کسانی برحسب عادت یا تقلید یا صرفاً به لحاظ نظری پذیرفته باشند که آخرتی هست اما در عمل، پایبندی چندانی به آن نداشته باشند و اهل گناه و فساد باشند. اینان در حقیقت دارای ایمان قوی نیستند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلباً به آن نگرویده‌اند.
- ۲ آیا توجه به آخرت، لزوماً بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی را در پی دارد؟ اعتقاد به آخرت نه تنها سبب عقب‌ماندگی نیست، بلکه باعث تصحیح زندگی و در پیش گرفتن اخلاق الهی می‌شود.

پرستش‌های چهارگزیندهای

کنکور

۱۳۵- کدام گرایش درونی است که دو گروه (منکران معاد) را به بی‌توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از مرگ می‌کشاند و ثمره ایمان به خدا و معاد همراه با عمل صالح چیست؟

(ترکیبی خارج از کشور، ۹۶، تهرنی ۹۶ و زبان ۹۵)

- ۱) غفلت از مرگ - ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۲) غفلت از مرگ - ﴿وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾
- ۳) میل به جاودانگی - ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۴) میل به جاودانگی - ﴿وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾

۱۳۶- پیام کدام آیه، حاکی از این است که «در این دنیا انسان به کارهایی مشغول می‌شود که او را از کارهای مفید باز می‌دارد، اما سرای دیگر جایی است که انسان با کمالات واقعی که از راه ایمان و عمل صالح به دست می‌آورد، زندگی می‌کند.»؟

(ریاضی ۹۶ یا تغییر)

- ۱) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾
- ۲) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۳) ﴿وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
- ۴) ﴿وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾

(فارج از کشور ۹۵)

۱۳۷- نهراسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در میان پیروان پیامبران الهی، چه ثمره‌ای در زندگی آنان دارد؟

- ۱) حیات در این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نمی‌شود و فداکاری در راه خدا ضروری می‌گردد.
- ۲) آنان آرزوی مرگ می‌کنند و به همین دلیل به استقبال شهادت می‌روند و فدای انسان‌ها می‌شوند.
- ۳) زندگی را کوله‌باری از گناه می‌بینند و همین عامل سبب می‌شود تا همیشه در آرزوی مرگ باشند.
- ۴) دفاع از حق و مظلومان و از خودگذشتگی برای آنان آسان شود و در شجاعت به مرحله‌ای عالی برسند.

۱۳۸- زندگی دنیا بدون سرای آخرت که زندگی واقعی است، چگونه خواهد بود و پیامبر اکرم ﷺ باهوش‌ترین مؤمنان را چه کسانی معرفی می‌کنند؟

(تهرنی ۹۵)

- ۱) تلاش بیهوده - مرگ را پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک هستی به هستی دیگر منتقل می‌کند.
- ۲) لهو و لعب - مرگ را پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک هستی به هستی دیگر منتقل می‌کند.
- ۳) تلاش بیهوده - فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.
- ۴) لهو و لعب - فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.

۱۳۹- «الهیون» که مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند، بلکه آن را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پیش دارد، از خداوند عمر طولانی طلب می‌کنند تا به کدامین هدف برسند؟

(فارج از کشور ۹۴ و زبان ۹۱)

- ۱) کفه متعادل دنیا و آخرت را در هم‌سنگ جلوه‌دادن آن دو به منصفه ظهور برسانند.
- ۲) به دنیاپرستان بفهمانند که اعتقاد به عالم پس از مرگ، منافات با دل‌سپردن به دنیا ندارد.
- ۳) با تلاش بیشتر در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند.
- ۴) راه نیک‌بختی را برای آیندگان، هموار کنند و اثبات کنند که عبادت به‌جز خدمت خلق نیست.

(ریاضی ۹۴)

۱۴۰- کدام مورد بیانگر پیامدهای انکار معاد برای انسان در زندگی دنیا است؟

- ۱) آماده‌شدن برای زندگی دیگر و توجه بیشتر به حیات اخروی پس از مرگ
- ۲) بیرون آمدن از بن‌بست در زندگی دنیایی و بازشدن پنجره‌های روشنایی
- ۳) کناره‌گیری از دیگران و بی‌ارزش شدن این زندگی چند روزه دنیا
- ۴) لذت بردن از کار، زندگی و تلاش بسیار به همراه انرژی فوق‌العاده

(تهری ۹۳ با کمی تغییر)

۱۴۱- آیه شریفه: ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ در توصیف کدام تفکر درباره مرگ می باشد؟

- ۱) آنان که فراوان به یاد مرگاند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند.
- ۲) مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود.
- ۳) مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند، بلکه آن را غروبی می دانند که طلوعی درخشان تر در پیش دارد.
- ۴) آدمی در همان حال که از مرگ می گریزد، آن را ملاقات می کند، دوران زندگی میدان از دست دادن جان است.

(فارج از کشور ۹۳ با تغییر)

۱۴۲- اگر بخواهیم: «چهره ملکوتی و نه ملکی دنیا را در آیینة وحی الهی مشاهده کنیم»، پیام کدام آیه ترسیم کننده این مقصود ما است؟

- ۱) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾
- ۲) ﴿وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
- ۳) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۴) ﴿وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾

(انسانی ۹۳ با تغییر)

۱۴۳- هرگاه بخواهیم با تکیه بر وحی الهی، تعریفی برای دنیا ارائه دهیم، پیام کدام آیه وافی به این مقصود است؟

- ۱) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾
- ۲) ﴿وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
- ۳) ﴿وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾
- ۴) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

(هنر ۹۳ با تغییر)

۱۴۴- این بیان هدایت بخش پیامبر گرامی اسلام ﷺ که فرموده اند: «برای نابودی و فنا خلق نشده اید، بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی

به جهان دیگر منتقل می شوید.» با پیام کدام آیه شریفه تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾
- ۲) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾
- ۳) ﴿وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾
- ۴) ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾

(فارج از کشور ۹۱ با تغییر)

۱۴۵- با توجه به آیه: ﴿قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا﴾ کدام مورد از پیامدهای چنین نگرشی نیست؟

- ۱) شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهد و از دیگران کناره می گیرد.
- ۲) زندگی چند روزه دنیا برایش بی ارزش می شود در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می شود.
- ۳) خود را به هر کاری سرگرم می سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارند فراموش کنند.
- ۴) مرگ را پایان بخش دفتر زندگی می دانند و آن را غروبی می دانند که طلوعی دیگر در پیش دارد.

(ریاضی ۹۱ با کمی تغییر)

۱۴۶- آیه شریفه: ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ بیانگر

- ۱) اعتقاد کسانی است که نمی توانند خود را از اندیشه مرگ و نابودی پس از آن نجات دهند.
- ۲) اعتقاد کسانی است که راه غفلت از مرگ را پیش گرفته اند و امیدی به حیات مجدد ندارند.
- ۳) انکار ملاقات پروردگار و رضایت دادن و قناعت کردن به زندگی دنیایی است.
- ۴) عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

(تهری ۹۱)

۱۴۷- «ناگوار نبودن مرگ» در دیدگاه الهیون بدان جهت است که:

- ۱) مرگ را وسیله ای برای نجات از زندگی و هم زیستی با ظالمان می دانند.
- ۲) ناگواری مرگ، معلول بر دوش داشتن بار سنگین گناهان است و الهیون مصون از آن اند.
- ۳) خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، به آن دل نمی سپرند.
- ۴) ناگواری مرگ، عامل نومیدی از خدا و یوچ اندیشی نسبت به آفرینش می شود که با توحید سازگار نیست.

(ترکیبی انسانی ۹۱ و تهری ۸۸ با تغییر)

۱۴۸- با توجه به روایات، باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند و روح آدمی

- ۱) متفکران در نظام آفرینش اند - تغییرپذیر است و تجزیه و تحلیل نمی پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی شود.
- ۲) آنان که فراوان به یاد مرگاند - تغییرپذیر است و تجزیه و تحلیل نمی پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی شود.
- ۳) آنان که فراوان به یاد مرگاند - بعد از مرگ با بدن باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد.
- ۴) متفکران در نظام آفرینش اند - بعد از مرگ با بدن باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد.

(ریاضی ۹۰)

۱۴۹- با توجه به آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین که عامل اصلی گناه را «خود انسان» معرفی می کنند، منظور از این «خود» همان خود است

- که می باشد و در آن، تغییر و دگرگونی
- ۱) روحانی - همراه با تغییر - نیست.
 - ۲) روحانی - مصون از استهلاک - هست.
 - ۳) جسمانی - همراه با تغییر - نیست.
 - ۴) جسمانی - مصون از استهلاک - هست.

(هنر ۹۰)

۱۵۰- با توجه به این کلام سالار شهیدان، حضرت امام حسین ﷺ که می فرماید: «من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم» مفهوم می گردد که

- ۱) عامل سعادت یافتن مرگ، زندگی همراه با ننگ و ذلت
- ۲) عامل همراه با ننگ و ذلت یابی زندگی، شوق به شهادت
- ۳) شوق به سعادت و لقای خداوند، عامل ننگ و ذلت یابی زندگی
- ۴) زندگی توأم با ننگ و ذلت، برخاسته از بی شوقی شهادت در راه خدا

(ریاضی و فنی و حرفه‌ای ۸۸)

۱۵۱- مژده ﴿ لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ﴾ بهره‌ افرادی است که:

- (۱) مرگ را طلوعی از پس غروب و تولدی دیگر می‌دانند.
 (۲) خود را به لباس تقوی که بهترین لباس است، آراسته‌اند.
 (۳) ایمان به خدا و رستخیز و انجام عمل نیک را با هم دارند.
 (۴) خلوص در راه خدا را بهترین ذخیره هر لحظه زندگی خود قرار می‌دهند.

(هنر ۸۸)

۱۵۲- بی‌ارزش جلوه کردن زندگی چند روزه و موقت دنیا از لوازم و است.

- (۱) میل به جاودانگی - مرگ را پایان کار دانستن
 (۲) میل به جاودانگی - تحقق آرزوها در رستخیز
 (۳) هدف قراردادن دنیا - تحقق آرزوها در رستخیز
 (۴) هدف قراردادن دنیا - مرگ را پایان کار دانستن

(پامع علمی کاربردی ۸۹ و ۸۸)

۱۵۳- حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: باهوش‌ترین مؤمنان کسانی هستند که:

- (۱) مرگ را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پیش روی خود دارد.
 (۲) راضی به زندگی دنیا شده‌اند و به ملاقات پروردگارشان ایمان دارند.
 (۳) مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینند.
 (۴) فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.

(فارج از کشور ۸۶)

۱۵۴- فراغ از محدودیت زمان و مکان و تلاشی‌پذیری به ترتیب از ویژگی‌های موجود و است.

- (۱) غیرمجرد - مجرد (۲) مجرد - مجرد (۳) غیرمجرد - غیرمجرد (۴) مجرد - غیرمجرد

تألیفی

۱۵۵- با مرگ فرصت انسان برای چه چیزی پایان می‌یابد و در چه صورت داستان زندگی انسان پایانی اندوهناک دارد؟

- (۱) افزودن بر نامه اعمال - همه اعمال گناهکاران در ترازوی عدل پروردگار سنجیده شود.
 (۲) استفاده از سرمایه‌ها - همه اعمال گناهکاران در ترازوی عدل پروردگار سنجیده شود.
 (۳) استفاده از سرمایه‌ها - هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد، یک‌باره راهی دیار فنا و نیستی شود.
 (۴) افزودن بر نامه اعمال - هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد، یک‌باره راهی دیار فنا و نیستی شود.

۱۵۶- آن بخش از وجود انسان که او را جاودانه می‌نماید، همان اوست که نمی‌شود و نمی‌پذیرد.

- (۱) بعد جسمانی و روحانی - متلاشی - تغییر
 (۲) بعد روحانی و غیرجسمانی - متلاشی - تجزیه
 (۳) بعد جسمانی و روحانی - تحلیل - تجزیه
 (۴) بعد روحانی و غیرجسمانی - تحلیل - تغییر

۱۵۷- استمرار آگاهی و حیات روح پس از مرگ بدن، در سایه کدام ویژگی آن پدید آمده است و کدام ویژگی برای بعد جسمانی انسان به طور دائم رخ می‌دهد؟

- (۱) تلاشی‌ناپذیری - تحلیل‌پذیری
 (۲) تلاشی‌ناپذیری - فرسودگی
 (۳) تغییرناپذیری - فرسودگی
 (۴) تغییرناپذیری - تحلیل‌پذیری

۱۵۸- رسول خدا ﷺ درباره چرایی آفرینش و مرگ چه فرمودند؟

- (۱) هیچ‌کس بیهوده آفریده نشده است - مرگ پلی است که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت عبور می‌دهد.
 (۲) برای بقا آفریده شده‌اید - با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید.
 (۳) هیچ‌کس بیهوده آفریده نشده است - با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید.
 (۴) برای بقا آفریده شده‌اید - مرگ پلی است که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت عبور می‌دهد.

۱۵۹- پیام کدام آیه شریفه بیانگر بازتاب و ثمره ایمان به خدا و روز قیامت است؟

- (۱) ﴿ و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهی الحیوان ﴾ (۲) ﴿ من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة ﴾
 (۳) ﴿ ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ﴾ (۴) ﴿ من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون ﴾

۱۶۰- از توجه در حدیث شریف: «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا» چه موضوعی مفهوم می‌گردد؟

- (۱) بیداری و هوشیاری انسان پس از مرگ، نتیجه اعتقاد به معاد و تلاش او در راه خدا در دنیا است.
 (۲) بیداری انسان پس از مرگ و آگاهی انسانی که در دنیا غافل و بی‌توجه بوده، ثمره‌ای ندارد.
 (۳) زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می‌یابد.
 (۴) دنیا مانند خواب، شیرین و فریبنده است و در آخرت انسان به اعمالش آگاه می‌گردد.

۱۶۱- حدیث شریف: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید» چه بعدی از ابعاد انسان را یادآور می‌شود و نفی کدام دیدگاه را به

روشنی بیان نموده است؟

- (۱) بعد جسمانی که همراه با تغییر و تحول، فرسوده و متلاشی می‌گردد - ﴿ و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب ﴾
 (۲) بعد روحانی که تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و متلاشی نمی‌شود - ﴿ و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا ﴾
 (۳) بعد جسمانی که در کنار روح، دائم در حال تغییر و دگرگونی است - ﴿ و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا ﴾
 (۴) بعد روحانی که تغییر نمی‌پذیرد و آگاهی خود را پس از مرگ به دست می‌آورد - ﴿ و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب ﴾

۱۶۲- با توجه به آیات قرآن، چه کسانی دچار ترس از عاقبت زندگی خود نمی‌شوند و این امر دال بر کدام پیامد اعتقاد به معاد است؟

- (۱) ﴿ من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة ﴾ - نخستین
 (۲) ﴿ من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً ﴾ - نخستین
 (۳) ﴿ من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة ﴾ - دومین
 (۴) ﴿ من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً ﴾ - دومین

۱۶۳- در آیه وحی الهی زندگی پس از مرگ و قبل از آن چگونه توصیف شده است؟

- ۱) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾
- ۲) ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾
- ۳) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۴) ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

۱۶۴- از آیه شریفه: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود؟

- ۱) ناآگاهی انسان‌ها از ماهیت عمرشان - منحصرنبودن زندگی به همین زندگی دنیایی
- ۲) ناآگاهی انسان‌ها از ماهیت عمرشان - مستقل بودن دنیا از آخرت
- ۳) متفاوت بودن حقیقت دنیا و آخرت - منحصرنبودن زندگی به همین زندگی دنیایی
- ۴) متفاوت بودن حقیقت دنیا و آخرت - مستقل بودن دنیا از آخرت

۱۶۵- هر کس بخواهد در زمره باهوش‌ترین مؤمنان قرار گیرد، طبق احادیث پیشوایان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

- ۱) مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نداند.
- ۲) فراوان به یاد مرگ باشد و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده کند.
- ۳) مرگ را پلی بداند که انسان را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت عبور می‌دهد.
- ۴) در این زندگی دنیوی در خواب نباشد و زندگی حقیقی را در جهان دیگر معنا نماید.

۱۶۶- معتقدان به معاد چگونه زمینه رشد خود را در دنیا فراهم می‌کنند و با توجه به آیه: «و بعضی می‌گویند: پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت

نیز نیکی مرحمت فرما»، درخواست آن‌ها از خداوند پس از اعطای دنیا و آخرت نیکو چیست؟

- ۱) طلب عمر طولانی برای تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها - مصون ماندن از عذاب آتش
- ۲) طلب عمر طولانی برای تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها - دوری از حزن و اندوه
- ۳) علاوه بر قبول داشتن معاد این قبول داشتن را به باور قلبی تبدیل می‌کنند - مصون ماندن از عذاب آتش
- ۴) علاوه بر قبول داشتن معاد این قبول داشتن را به باور قلبی تبدیل می‌کنند - دوری از حزن و اندوه

۱۶۷- فرسوده شدن و عکس آن به ترتیب از ویژگی‌های بعد و است و بازتاب ناپذیری آن، حیات همیشگی می‌باشد.

- ۱) روحانی - جسمانی - تغییر - نخستین
- ۲) جسمانی - روحانی - تغییر - دومین
- ۳) روحانی - جسمانی - تلاشی - نخستین
- ۴) جسمانی - روحانی - تلاشی - دومین

۱۶۸- روایت: «النَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» با کدام آیه شریفه هم‌مفهوم است؟

- ۱) ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
- ۲) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾
- ۳) ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۴) ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾

۱۶۹- امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود در مورد مرگ فرمود: «مرگ چیزی نیست مگر پس کدام‌یک از شما کراهت دارد که از منتقل شود.»

- ۱) پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت، کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد - زندان به قصر
- ۲) غروبی برای جسم و سعادت دوستان و محبین و اولیای الهی که طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان به همراه دارد - قفس به آسمان
- ۳) پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت، کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد - قفس به آسمان
- ۴) غروبی برای جسم و سعادت دوستان و محبین و اولیای الهی که طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان به همراه دارد - زندان به قصر

۱۷۰- هنگامی که پنجره امید و روشنائی به روی انسان باز می‌شود، چه خصوصیتی در او بروز و ظهور می‌یابد و این مطلب در کدام آیه شریفه بیان شده است؟

- ۱) دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است - ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾
- ۲) دارای انرژی فوق‌العاده و همت خستگی‌ناپذیر است و از کار خود لذت می‌برد - ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾
- ۳) دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است - ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾
- ۴) دارای انرژی فوق‌العاده و همت خستگی‌ناپذیر است و از کار خود لذت می‌برد - ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

۱۷۱- گرفتاری به غفلت از آخرت از سوی کسانی که معاد را قبول دارند، از نتایج چیست؟

- ۱) اعتقادداشتن به وجود روح و بی‌نهایت‌طلبی
- ۲) ایمان سطحی به معاد و فرورفتن در هوس‌ها
- ۳) کناره‌گرفتن از دیگران و دچار بیماری‌های روحی شدن
- ۴) قدم‌گذاشتن در راه‌هایی که موجب سرگردانی و یأس می‌شود

۱۷۲- با توجه به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «النَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» چه چیزی به خواب تشبیه شده است و وجه شباهت کدام است؟

- ۱) زندگی دنیوی - کوتاه و گذرا بودن
- ۲) مرگ - کوتاه و گذرا بودن
- ۳) زندگی دنیوی - حتمیت و قطعیت آن
- ۴) مرگ - حتمیت و قطعیت آن

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)



۱۷۳- با توجه به آیه شریفه: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان لو كانوا يعلمون﴾ مقصود از «الحيوان» است و ﴿لو كانوا يعلمون﴾ شامل که با عبارت هم مفهوم است، می‌شود.

۱) حقیقی بودن زندگی آخرت - همه انسان‌ها - ﴿ان هم الا يظنون﴾

۲) حیات روح و جسم در قیامت - بخشی از مردم - ﴿ان هم الا يظنون﴾

۳) حقیقی بودن زندگی آخرت - بخشی از مردم - ﴿و ما لهم بذلك من علم﴾

۴) حیات روح و جسم در قیامت - همه انسان‌ها - ﴿و ما لهم بذلك من علم﴾

۱۷۴- فراگیری زندگی از شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار است که نتیجه‌اش می‌باشد.

۱) برخاسته از اعتقاد به زندگی حقیقی در جهان دیگر - تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا

۲) مبتنی بر دل‌نسپردن به زندگی دنیایی - بیرون آمدن زندگی از بن‌بست و نترسیدن از مرگ

۳) برخاسته از اعتقاد به زندگی حقیقی در جهان دیگر - بیرون آمدن زندگی از بن‌بست و نترسیدن از مرگ

۴) مبتنی بر دل‌نسپردن به زندگی دنیایی - تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا

۱۷۵- کدام عامل سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و چه زمانی چنین انسانی به استقبال شهادت می‌رود؟

۱) اعتقاد به وعده عدالت خدا - وقتی که اگر ظلمی به انسان‌ها شود، نتواند داد خود را از ظالمان بستاند.

۲) نترسیدن از مرگ - آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد.

۳) نترسیدن از مرگ - وقتی که اگر ظلمی به انسان‌ها شود، نتواند داد خود را از ظالمان بستاند.

۴) اعتقاد به وعده عدالت خدا - آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد.

۱۷۶- هرگاه بخواهیم اعتقاد کسانی را که مرگ را پایان بخش زندگی می‌دانند و زندگی را فقط در دنیا می‌بینند، مستند کنیم، کدام عبارت شریفه وافی به این مقصود خواهد بود؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۱) ﴿ان هم الا يظنون﴾

۲) ﴿ما لهم بذلك من علم﴾

۳) ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب﴾

۴) ﴿قالوا ما هي الا حياتنا الدنيا نموت و نحیی﴾

۱۷۷- با توجه به آیه شریفه: ﴿من آمن بالله و اليوم الآخر...﴾، باز شدن پنجره امید و روشنایی به روی انسان، شامل است و نتیجه آن می‌شود.

۱) بخشی از مؤمنان - دوری از خوف و ترس

۲) بخشی از مؤمنان - دریافت نتیجه اعمال نیک

۳) تمام ایمان‌آوردگان - دریافت نتیجه اعمال نیک

۴) تمام ایمان‌آوردگان - دوری از خوف و ترس

۱۷۸- علت ایجاد شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار در زندگی دنیوی برای معتقدان به معاد چیست؟

۱) آسان بودن فداکاری در راه خدا

۲) ناگوار نبودن مرگ در نظر آن‌ها

۳) علم آن‌ها به عدل الهی

۴) نبود هیچ‌گونه ترس و اندوه در آن‌ها

۱۷۹- زیبازیستن در زندگی و دل‌نسپردن به دنیا، شیوه نیک و ثمره آن است.

۱) مجاهدان راه حق - همت خستگی‌ناپذیر

۲) مجاهدان راه حق - ناگوارندانستن مرگ

۳) خداپرستان حقیقی - ناگوارندانستن مرگ

۴) خداپرستان حقیقی - همت خستگی‌ناپذیر

۱۸۰- قرآن کریم تفاوت میان یک مرحله هستی با هستی بالاتر آن را چگونه توصیف نموده است؟

۱) ﴿ما هي الا حياتنا الدنيا نموت و نحیا و ما يهلكنا الا الدهر﴾

۲) ﴿من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف عليهم﴾

۳) ﴿من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة﴾

۴) ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان﴾

۱۸۱- مفهوم مشترک میان سخن رسول خدا ﷺ که فرمود: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید» و آیه: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان﴾ چیست؟

۱) هدف از آفرینش انسان و توجه‌دادن به آن

۲) نفی انکار معاد و ترسیم چهره حقیقی دنیا

۳) موقتی بودن دنیا و برتر بودن حیات آخرت

۴) ناپایداری آرزوهای انسان و بقای روح در آخرت

۱۸۲- اعتقاد به نظام جزا و پاداش عادلانه، علت کدام پیامد اعتقاد به معاد است و پیام کدام آیه شریفه، ترسیم‌کننده این مطلب می‌باشد؟

۱) باز شدن پنجره امید و روشنایی - ﴿من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف عليهم...﴾

۲) آمادگی فداکاری در راه خدا - ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان...﴾

۳) باز شدن پنجره امید و روشنایی - ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان...﴾

۴) آمادگی فداکاری در راه خدا - ﴿من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف عليهم...﴾

۱۸۳- خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل نمی‌سپارند. این خصوصیت چه ثمرات و نتایجی را در پی دارد؟

۱) می‌دانند که هیچ‌یک از کارهای نیک در آن جهان بی‌پاداش نمی‌ماند و اگر ظلمی به آن‌ها شود، قطعاً در جهان دیگر به سزای اعمالشان خواهند رسید.

۲) مرگ را ناگوار و هولناک نمی‌دانند و دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر می‌شود و شجاعت به مرحله عالی آن می‌رسد.

۳) از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با شناخت و اندیشه و استفاده از نعمات، با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند.

۴) دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی‌شوند و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی آن‌ها را فرا می‌گیرد.

۱۸۴- در اعتقاد خداپرستان حقیقی، مرگ برای چه کسانی ناگوار و هولناک است؟

- ۱) از خداوند عمر طولانی می‌خواهند - با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند.
- ۲) از خداوند عمر طولانی می‌خواهند - فراوان به یاد مرگ‌اند.
- ۳) زندگی را محدود به دنیا می‌بینند - با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند.
- ۴) زندگی را محدود به دنیا می‌بینند - فراوان به یاد مرگ‌اند.

۱۸۵- فرمایش امام حسین علیه السلام: «من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.» به کدام دلیل بوده است؟

- ۱) خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما مرگ را ناگوار نمی‌دانند، از این رو به دنیا دل نمی‌سپزند.
- ۲) آن‌گاه که فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت می‌روند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار می‌کنند.
- ۳) خداپرستان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، به درجات برتر بهشت نائل شوند.
- ۴) اگر در این مسیر ظلمی به انسان شود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آن‌ها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

۱۸۶- علت این‌که برخی از معتقدین به معاد، دنیا را هدف و معبود خود قرار می‌دهند، چیست و چه نتیجه‌ای در پی دارد؟

- ۱) فرورفتن در هوس‌ها - زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.
- ۲) غفلت از مرگ - خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.
- ۳) فرورفتن در هوس‌ها - خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.
- ۴) غفلت از مرگ - زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

۱۸۷- در کدام دیدگاه، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا است و قرآن کریم چه تعبیری را برای این امر به کار برده است و چنین دیدگاهی چه

ثمره‌ای را به همراه دارد؟

- ۱) پیامبران الهی - ﴿نموت و نحیا﴾ - ﴿انّ الذّار الآخرة لهی الحيوان﴾
- ۲) منکرین معاد - ﴿نموت و نحیا﴾ - ﴿ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء﴾
- ۳) پیامبران الهی - ﴿لهو و لعب﴾ - ﴿فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون﴾
- ۴) منکرین معاد - ﴿لهو و لعب﴾ - ﴿ما یهلکنا آلا الذّهر﴾

۱۸۸- نترسیدن خداپرستان از مرگ، به بیان هدایت‌بخش امام حسین علیه السلام موجب می‌شود.

- ۱) آسان تر شدن دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا
- ۲) عبور از سختی‌ها و وصول به سعادت و کرامت و نعمت‌های جاوید
- ۳) استقبال از شهادت و شوق به آن و ناگوارنداستن مرگ
- ۴) سعادت‌یافتن مرگ و ننگ و خواری دانستن زندگی با ظالمان

۱۸۹- پیام کدام آیه به ترتیب «بهای اندک دنیا در مقابل آخرت» و «منحصرکردن زندگی به همین حیات فانی» است؟

- ۱) ﴿و ما یهلکنا آلا الذّهر﴾ - ﴿ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء﴾
- ۲) ﴿ما هذه الحیة الدّنیاء آلا لهو و لعب﴾ - ﴿و ما یهلکنا آلا الذّهر﴾
- ۳) ﴿و ما یهلکنا آلا الذّهر﴾ - ﴿ما هذه الحیة الدّنیاء آلا لهو و لعب﴾
- ۴) ﴿ما هذه الحیة الدّنیاء آلا لهو و لعب﴾ - ﴿ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء﴾

۱۹۰- با توجه به تعالیم پیامبران، خالق که موجودات را پدید آورده، همان خالق جان آن‌ها را می‌گیرد، این مطلب در عبارت قرآنی مورد انکار واقع

گردیده و البته این سخن را کافران از روی نمی‌گویند.

- ۱) ﴿و قالوا ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء﴾ - عقل
- ۲) ﴿و قالوا ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء﴾ - علم
- ۳) ﴿و ما یهلکنا آلا الذّهر﴾ - علم
- ۴) ﴿و ما یهلکنا آلا الذّهر﴾ - عقل

۱۹۱- عامل بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه دنیایی است و ثمره آن است که عاقبت را به همراه دارد.

- ۱) متنوع بودن استعدادهای انسان - سرگرم شدن به هدف‌های زودگذر - گرفتاری به بیماری‌های روحی
- ۲) گرایش به جاودانگی - سرگرم شدن به هدف‌های زودگذر - از دست دادن شادابی و نشاط زندگی
- ۳) متنوع بودن استعدادهای انسان - دچار شدن به یأس و ناامیدی - از دست دادن شادابی و نشاط زندگی
- ۴) گرایش به جاودانگی - دچار شدن به یأس و ناامیدی - گرفتاری به بیماری‌های روحی

۱۹۲- پیامدهای انکار معاد از سوی کسانی که می‌گویند: ﴿ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء نموت و نحیا﴾ کدام است؟

- ۱) بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه دنیایی - فراموش کردن و غفلت از مرگ
- ۲) حرص و طمع نسبت به زندگی دنیایی - فراموش کردن و غفلت از مرگ
- ۳) بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه دنیایی - تردید نسبت به آینده و اضطراب از مرگ
- ۴) حرص و طمع نسبت به زندگی دنیایی - تردید نسبت به آینده و اضطراب از مرگ

۱۹۳- از دقت در آیه شریفه: ﴿و قالوا ما هی آلا حیاتنا الدّنیاء نموت و نحیا و ما یهلکنا آلا الذّهر و ما لهم بذلك من علم ان هم آلا یظنون﴾ کدام مفهوم دریافت نمی‌شود؟

- ۱) کافران آفرینش را محدود به حیات دنیوی می‌دانند.
- ۲) نابودی انسان، در دیدگاه کافران، وابسته به عوامل متعدد است.
- ۳) انکار کافران، امری یقینی نیست، بلکه از روی خیال است.
- ۴) شروع زندگی در دنیا با مرگ و بسته شدن دفتر عمر عده‌ای دیگر همراه است.



۱۹۴- منکران معاد، برای تسکین خود و فرار از ناراحتی چه روشی را انتخاب می‌کنند و عکس‌العمل گروهی که غفلت از مرگ را پیش گرفته‌اند، چیست؟

- (۱) خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند - از دیگران کناره می‌گیرند و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند.
- (۲) در راهایی قدم می‌گذارند که روزبه‌روز بر سرگردانی و یأس آن‌ها می‌افزاید - خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.
- (۳) خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند - در راهایی قدم می‌گذارند که روزبه‌روز بر سرگردانی و یأس آن‌ها می‌افزاید.
- (۴) در راهایی قدم می‌گذارند که روزبه‌روز بر سرگردانی و یأس آن‌ها می‌افزاید - از دیگران کناره می‌گیرند و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند.

۱۹۵- آثار و پیامدهای انکار معاد، علاوه بر منکرین، گریبان‌گیر چه کسانی می‌شود و به چه دلیل زندگی این افراد تفاوتی با منکران معاد ندارد؟

- (۱) معرفت و ایمانشان به انجام عمل صالح منجر نشده است - جست‌وجوی خوشی و لذت از راه گناه و عادت به آن
- (۲) قبول معاد در آن‌ها به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است - فرورفتن در هوس‌ها و در نتیجه معبود و هدف قراردادن دنیا و غفلت از آخرت
- (۳) قبول معاد در آن‌ها به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است - جست‌وجوی خوشی و لذت از راه گناه و عادت به آن
- (۴) معرفت و ایمانشان به انجام عمل صالح منجر نشده است - فرورفتن در هوس‌ها و در نتیجه معبود و هدف قراردادن دنیا و غفلت از آخرت

۱۹۶- قرآن کریم در پاسخ به: ﴿ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا﴾ چه می‌فرماید؟

- (۱) ﴿و ان الدار الآخرة لهی الحيوان لو كانوا يعلمون﴾ (۲) ﴿من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم﴾
- (۳) ﴿التاس نیام فاذا ماتوا انتبهوا﴾ (۴) ﴿ما لهم بذلك من علم ان هم الا یظنون﴾

۱۹۷- چرا برخی از افراد با این‌که می‌گویند آخرت را قبول دارند و از لحاظ فکری آن را پذیرفته‌اند، تلاش چندانی برای آن جهان نمی‌کنند و در زندگی خود

به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟

- (۱) اینان در حقیقت دارای ایمان قوی نیستند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلباً به آن نگرویده‌اند.
- (۲) این افراد با فراموش کردن آخرت، خود را سرگرم دنیا و زیبایی‌های فریبنده‌اش کرده‌اند و نسبت به آخرت کافرند.
- (۳) این دسته از لحاظ فکری و اعتقادی دچار اشتباه شده و در حقیقت نسبت به آخرت کافرند در حالی که می‌پندارند ایمان دارند.
- (۴) این افراد با کافران تفاوتی ندارند و در عمل نیز دچار سردرگمی هستند به گونه‌ای که نه به معاد ایمان دارند و نه آن را انکار می‌کنند.

۱۹۸- میان توجه به آخرت و بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی تلازم برقرار بدان علت که

- (۱) است - دلفریبی به نعمت‌های ناپایدار دنیوی غفلت از آخرت و یاد خدا را در پی دارد.
- (۲) نیست - اعتقاد به آخرت باعث تصحیح زندگی و در پیش گرفتن اخلاق الهی نیز می‌شود.
- (۳) است - توجه به دنیا، موجب فرورفتن در هوس‌ها و هدف قراردادن آن می‌شود.
- (۴) نیست - بدون استفاده از بهره‌های دنیوی رسیدن به سعادت اخروی امکان‌پذیر نیست.

۱۹۹- عبارت قرآنی: ﴿و ما لهم بذلك من علم﴾ در پاسخ به کدام اندیشه می‌باشد؟

- (۱) ﴿ان هم الا یظنون﴾ (۲) «التاس نیام فاذا ماتوا انتبهوا»
- (۳) ﴿و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب﴾ (۴) ﴿ما هی الا حیاتنا الدنیا﴾

۲۰۰- قراردادن دنیا به عنوان معبود و هدف خود در معتقدین به معاد، به چه علت است و چه نتیجه‌ای را در پی دارد؟

- (۱) فرورفتن در هوس‌ها - زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.
- (۲) دلبستگی به نعمت‌ها - زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.
- (۳) دلبستگی به نعمت‌ها - در راهایی قدم می‌گذارند که روزبه‌روز به سرگردانی و یأس آن‌ها می‌افزاید.
- (۴) فرورفتن در هوس‌ها - در راهایی قدم می‌گذارند که روزبه‌روز به سرگردانی و یأس آن‌ها می‌افزاید.



(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

آیه: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان﴾ با بیان این که دنیا بازیچه و سرگرمی است، شامل مفهوم نخست در مورد دنیا و با بیان حقیقی بودن سرای آخرت، شامل مفهوم دوم است.

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه (۱): به برترین هدف زندگی بودن خدا و تقرب به او اشاره دارد.

گزینه (۲): به ثمرات دیدگاه اعتقاد به معاد اشاره دارد.

گزینه (۴): بیانگر دیدگاه منکرین معاد است.

متن: صفحه ۴۱

۱۳۷ گزینه «۴»

همین عامل (نهراسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا) سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد.

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه (۱): حیات دنیا اگر همراه با زندگی با ظالمان باشد، ننگ و ذلت است.

گزینه (۲): معتقدان به معاد آرزوی مرگ نمی‌کنند.

گزینه (۳): معتقدان به معاد آرزوی مرگ نمی‌کنند و زندگی را گناه نمی‌بینند.

آیه: عنکبوت، ۶۴ / حدیث: صفحه ۳۹

۱۳۸ گزینه «۴»

با توجه به آیه: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب﴾ زندگی دنیا بدون سرای آخرت لهو و لعب است. پیامبر اکرم ﷺ در خصوص باهوش‌ترین مؤمنان فرمود: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.»

متن: صفحه ۴۱

۱۳۹ گزینه «۳»

نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

متن: صفحه ۴۲

۱۴۰ گزینه «۳»

از پیامدهای مهم این نگرش (انکار معاد) برای انسان این است که همین زندگی چندروزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود، در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شود و شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهد، از دیگران کناره می‌گیرد. سایر گزینه‌ها بیانگر پیامدهای دیدگاه معتقدین به معاد است.

آیه: جاثیه، ۲۴

۱۴۱ گزینه «۲»

آیه مطرح در صورت سؤال بدین معنا است: «(کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره (گروهی از ما) می‌میریم و (گروهی) زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.» این آیه بیانگر دیدگاه منکرین معاد است که در گزینه (۲) به آن اشاره شده است. سایر گزینه‌ها به دیدگاه پیامبران الهی اشاره دارد.

آیه: عنکبوت، ۶۴

۱۴۲ گزینه «۲»

مقصود از چهره ملکوتی دنیا، همان چهره واقعی و اصلی دنیا است، نه ظاهر زیبای آن. خداوند در آیه: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب﴾ چهره واقعی دنیا را سرگرمی و بازی معرفی نموده است.

آیه: عنکبوت، ۶۴

۱۴۳ گزینه «۲»

خداوند در قرآن، در تعریف دنیا، آن را سرگرمی و بازی معرفی کرده و فرموده: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب﴾

ارتباط مفهومی: آیه و حدیث

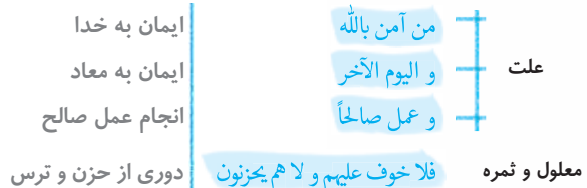
۱۴۴ گزینه «۳»

سخن پیامبر ﷺ بر دو مفهوم تأکید دارد: ۱- ماهیت نابودی و فناپذیری دنیا، ۲- ماهیت بقا و جاودانگی داشتن آخرت. آیه: ﴿و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب﴾ با لهو و لعب دانستن دنیا به مفهوم اول اشاره دارد و سپس در ادامه که می‌فرماید: ﴿و ان الدار الآخرة لهي الحيوان﴾ آخرت را زندگی حقیقی معرفی نموده و بر مفهوم دوم تأکید می‌کند.

متن: صفحه ۴۲ / آیه: مائده، ۶۹

۱۳۵ گزینه «۳»

از پیامدهای مهم این نگرش (انکار معاد) برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد. در نتیجه گرایش میل به جاودانگی، منکران معاد را به بی‌توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از مرگ می‌کشاند.



آیه: عنکبوت، ۶۴

۱۳۶ گزینه «۳»

مفهوم صورت سؤال بر بازیچه بودن دنیا و اصل بودن آخرت تأکید می‌کند. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که این دو مفهوم را دربرداشته باشد.

۱۴۵ گزینه ۴»

متن: صفحه ۴۲

آیه مطرح در صورت سؤال به دیدگاه «منکرین معاد» اشاره دارد. همه گزینه‌ها از پیامدهای این نگرش است اما گزینه (۴) اشتباه است، زیرا در قسمت آخر به دیدگاه پیامبران الهی اشاره دارد که مرگ را غروبی می‌دانند که طلوعی دیگر در پیش دارد.

۱۴۶ گزینه ۴»

آیه: جاثیه، ۲۴

ما هی الا حیاتنا الدنیا زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست: منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی **نموت و نحیا و ما یهلکنا الا الدهر** همواره گروهی از ما می‌میریم و گروهی زنده می‌شویم: عدم اعتقاد کفار به آخرت

۱۴۷ گزینه ۳»

پ: «الا» علامت «حصر» است و منحصر کردن از این کلمه برداشت شده است. توجه کنید که مفاهیم مطرح در سایر گزینه‌ها نادرست نیست ولی با **معنای مستقیم آیه** مطابقت ندارد مثلاً غفلت از مرگ یا انکار ملاقات پروردگار در این آیه نیامده است. در سؤالاتی که این چنین است و همه گزینه‌ها نادرست نیست، باید به دنبال گزینه‌ای باشیم که بیشترین تطابق را با آیه مطرح در صورت سؤال دارد.

۱۴۷ گزینه ۳»

متن: صفحه ۴۱

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل نمی‌سپزند. از این رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند.

۱۴۸ گزینه ۲»

حدیث: صفحه ۳۹ / متن: صفحه ۳۹

رسول خدا ﷺ در خصوص باهوش‌ترین مؤمنان فرمود: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند».

۱۴۹ گزینه ۲»

روح آدمی: تغییرپذیر است اما تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود.

۱۵۰ گزینه ۱»

پ: روح بعد از مرگ باقی می‌ماند، اما بدن و جسم متلاشی می‌شود. منظور از تغییر در روح نیز آن است که به فضائل اخلاقی آراسته می‌شود یا به رذائل آلوده می‌گردد.

۱۴۹ گزینه ۲»

متن: صفحه ۳۹

آن بخش از وجود انسان که قدرت اختیار دارد، روح است و اوست که مرتکب گناه می‌شود یا از گناه دوری می‌کند. روح همراه با تغییر است و مصون از استهلاک می‌باشد.

۱۵۰ گزینه ۱»

حدیث: صفحه ۴۱

در دیدگاه خداپرستان، آن‌گاه که حیات این چیزی جز ننگ و ذلت نباشد، به استقبال شهادت می‌روند، در نتیجه علت آن که امام حسین علیه السلام، مرگ را سعادت معرفی نموده است، زندگی همراه با ننگ و ذلت با ظالمان می‌باشد. گزینه‌ای که به این مفهوم اشاره نمود، گزینه (۱) است.

۱۵۱ گزینه ۳»

پ: شوق به شهادت، یا شوق به سعادت و یا بی‌شوقی شهادت در راه خدا که همگی در گزینه‌های دیگر آمده، نه در متن کتاب اشاره‌ای شده و نه در حدیث امام حسین علیه السلام، در نتیجه نادرست‌اند.

۱۵۱ گزینه ۳»

آیه: مانده، ۶۹

با توجه به آیه: ﴿من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون﴾ این مرده بهره‌افزادی است که ایمان به خدا و رستخیز و انجام عمل نیک را با هم دارند.

۱۵۲ گزینه ۱»

متن: صفحه ۴۲

در کتاب آمده: از پیامدهای مهم این نگرش (انکار معاد) برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که همین زندگی چندروزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود. با توجه به این متن، بی‌ارزش جلوه کردن زندگی چندروزه و موقت دنیا، از لوازم نگرش انکار معاد یعنی مرگ را پایان کار

دانستن به همراه میل به جاودانگی است.

پ: گزینه (۴) فقط به نگرش منکرین معاد اشاره نموده و میل به جاودانگی نیامده در نتیجه این گزینه ناقص است. دو گزینه دیگر نیز با عبارت: تحقق آرزوها در رستخیز اشتباه‌اند زیرا این مورد مربوط به نگرش معتقدین به معاد است نه منکرین آن.

۱۵۳ گزینه ۴»

حدیث: صفحه ۳۹

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص باهوش‌ترین مؤمنان فرمود: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند».

۱۵۴ گزینه ۴»

متن: صفحه ۳۹

فراغ از محدودیت زمان و مکان: روح یا بعد مجرد تلاشی‌پذیری یا متلاشی‌شدن: جسم یا بعد غیرمجرد
پ: منظور از «مجرد»، مجرد و جدا بودن از ویژگی‌های جسم است که برای روح به کار می‌رود.

۱۵۵ گزینه ۳»

مقدمه: صفحه ۳۸ / متن: صفحه ۳۹

ما برای استفاده از سرمایه‌های الهی فرصت محدودی داریم. فرصتی که با مرگ انسان پایان می‌یابد. هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد و پرونده زندگی چندین ساله‌اش با مرگ بسته می‌شود، آیا یکباره راهی دیار فنا و نیستی می‌شود؟ اگر چنین است، پس داستان زندگی انسان پایانی اندوهناک دارد. پ: در درس پنج می‌خوانید که نامه اعمال انسان پس از مرگ نیز باز است و بر آن افزوده می‌شود.

۱۵۶ گزینه ۲»

متن: صفحه ۳۹

با توجه به این که روح، بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد، آن بخش از وجود انسان که او را جاودانه می‌نماید، همان بعد روحانی و غیرجسمانی او است که تحلیل و متلاشی نمی‌شود و تجزیه نمی‌پذیرد اما تغییر می‌پذیرد. زیرا روح نیز آراسته به زیبایی‌های اخلاقی یا آلوده به رذائل می‌شود.

۱۵۷ گزینه ۱»

متن: صفحه ۳۹

از آن‌جا که روح «متلاشی» نمی‌شود، بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد. بعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است.

۱۵۸ گزینه ۲»

حدیث: صفحه ۳۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «برای ناپودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید».

۱۵۹ گزینه ۴»

آیه: مانده، ۶۹

علت: **من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً ایمان به خدا و روز قیامت و انجام عمل نیک**
علامت نتیجه: **ف**

بازتاب و ثمره: **لا خوف علیهم و لا هم یحزنون** دوری از حزن و ترس

۱۶۰ گزینه ۳»

حدیث: صفحه ۳۹

در دیدگاه پیامبران الهی، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می‌یابد. آن‌گونه که پیامبر می‌فرماید: «التاس نیام فاذا ماتوا انتبهوا»
بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه (۱): این حدیث صرفاً هوشیاری انسان پس از مرگ را بیان می‌کند و علتی برای آن نمی‌گوید.

گزینه (۲): این حدیث صرفاً بیانگر دیدگاه معتقدان به معاد است و اشاره‌ای به غافلان در دنیا ندارد.

گزینه (۴): دنیا خوابی کوتاه و گذرا است و در آخرت انسان، به گذرا بودن دنیا آگاه می‌شود نه اعمالش.

۱۶۱ گزینه «۲»

حدیث: صفحه ۳۹ / آیه: جائیه، ۲۴

با توجه به این که رسول خدا ﷺ انسان را جاودانه معرفی نموده است، به بعد روحانی که تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و متلاشی نمی‌شود اما تغییر می‌پذیرد، اشاره نموده است. این حدیث، نفی دیدگاه منکرین معاد را بیان نموده که آیه: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا﴾ به این دیدگاه اشاره دارد.

۱۶۲ گزینه «۲»

آیه: مانده، ۶۹ / متن: صفحه ۴۰

با توجه به آیه: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ کسانی که ایمان به خدا و روز رستاخیز و انجام عمل صالح را با هم دارند، دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی‌شوند. نخستین پیامد اعتقاد به معاد، باز شدن پنجره امید و روشنائی به روی انسان است که این آیه به آن اشاره نموده است.

۱۶۳ گزینه «۲»

آیه: عنکیوت، ۶۴

زندگی پس از مرگ یعنی زندگی در آخرت و برزخ و زندگی قبل از آن، یعنی زندگی در دنیا که قرآن در مورد دنیا و آخرت می‌فرماید: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ طبق این آیه، دنیا: لهو و لعب و آخرت: زندگی حقیقی توصیف شده است.

۱۶۴ گزینه «۳»

آیه: عنکیوت، ۶۴

این آیه، دنیا را بازی و سرگرمی و آخرت را زندگی حقیقی معرفی نموده است. با توجه به این مفهوم، گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم: «ناآگاهی انسان‌ها از ماهیت زندگی» نادرست است. زیرا در این آیه تنها آخرت را زندگی حقیقی معرفی کرده و به ناآگاهی انسان اشاره‌ای ننموده است. در مقابل این مفهوم، «متفاوت بودن حقیقت دنیا و آخرت» صحیح است زیرا دنیا را سرگرمی و بازی و آخرت را سرای حقیقی دانسته است.

هم‌چنین با توجه به بیان «الدَّارَ الْآخِرَةَ» در این آیه، به «منحصر نبودن زندگی به همین زندگی دنیایی» پی می‌بریم. مفهوم مقابل آن یعنی «مستقل بودن دنیا و آخرت» نادرست است.

۱۶۵ گزینه «۲»

حدیث: صفحه ۳۹

با توجه به سخن رسول خدا ﷺ درباره باهوش‌ترین مؤمنان که فرمود: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.» گزینه (۲) صحیح است.

۱۶۶ گزینه «۱»

متن: صفحه ۴۱ / ترکیبی: درس ۱ - دهم

نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند.

آیه «و بعضی می‌گویند: پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه‌دار» بیانگر درخواست‌های معتقدان به معاد از خداوند است.

۱۶۷ گزینه «۴»

متن: صفحه ۳۹

فرونده شدن: بعد جسمانی
غیر آن (فرونده نشدن): بعد روحانی
بازتاب و نتیجه تلاشی‌ناپذیری (متلاشی نشدن) بعد روحانی که دومین آن است، حیات همیشگی می‌باشد.

۱۶۸ گزینه «۱»

ارتباط مفهومی: حدیث و آیه

از این حدیث می‌فهمیم که: زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا است. ناپایداری دنیا در عبارت: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ﴾ نیز آمده است. هم‌چنین ادامه حدیث می‌گوید که: زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می‌یابد. حقیقی بودن جهان آخرت، در عبارت: ﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ نیز آمده است.

۱۶۹ گزینه «۱»

حدیث: صفحه ۴۱

امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود فرمود: «مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام‌یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟»

۱۷۰ گزینه «۴»

متن: صفحه ۴۰ / آیه: مانده، ۶۹

با دیدگاه پیامبران الهی، پنجره امید و روشنائی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می‌گیرد. چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همت خستگی‌ناپذیر است و از کار خود لذت می‌برد. آیه: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ بیانگر آن است.

۱۷۱ گزینه «۲»

متن: صفحه ۴۳

عده‌ای هستند که به معاد اعتقاد دارند، ولی اعتقادشان به باور قلبی تبدیل نشده است، این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند؛ اینان زندگی و رفتارشان طوری است که تفاوتی با منکران معاد ندارند. پس ایمان سطحی و ظاهری به معاد و فرورفتن در هوس‌ها علت غفلت از آخرت است.

۱۷۲ گزینه «۱»

حدیث: صفحه ۳۹

در این حدیث، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا است. در نتیجه، زندگی دنیوی به خواب تشبیه شده و وجه شباهت کوتاه و گذرابودن است.

۱۷۳ گزینه «۳»

آیه: عنکیوت، ۴۶؛ جائیه، ۲۴

عبارت: ﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ به معنای آن است که: سرای آخرت، زندگی حقیقی است. در نتیجه مقصود از «الحيوان»، حقیقی بودن زندگی آخرت می‌باشد. عبارت: «لو كانوا يعلمون، اگر می‌دانستند» شامل بخشی از مردم است که از حقیقت آخرت غافل‌اند و در این خصوص، خداوند در آیه دیگر فرموده: ﴿وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾ «این سخن را از روی علم نمی‌گویند» هر دو عبارت، به علم نداشتن منکرین معاد اشاره دارد.

۱۷۴ گزینه «۱»

متن: صفحه ۴۰

یکی از آثار اعتقاد به معاد آن است که شور، نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرامی‌گیرد. در نتیجه فراگیری زندگی از شور و نشاط، برخاسته از اعتقاد به زندگی حقیقی در جهان دیگر است.

نتیجه این امر آن است که چنین انسانی با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد.

پ.ن: نترسیدن از مرگ پیامد دوم دیدگاه معتقدین به معاد است و در نتیجه نادرست است.

۱۷۵ گزینه «۴»

آیه: جائیه، ۲۴

همین عامل (که به نترسیدن از مرگ برمی‌گردد) سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت بروند.

۱۷۶ گزینه «۴»

آیه: جائیه، ۲۴

کافران با بیان این عبارت که ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَى﴾ «گفتند زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست، همواره (گروهی از ما) می‌میریم و (گروهی) زنده می‌شویم.» تأکید بر بی‌اعتقادی به آخرت دارند و زندگی را منحصر در همین دنیا می‌بینند.

پ.ن: دقت کنید عبارت ﴿مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾ «ما لهم بذلك من علم ان هم لا یظنون» اشاره به ظن و خیال بودن اعتقاد منکران معاد دارد.



گزینه ۱»

آیه: مائده، ۶۹

با توجه به آیه که می‌فرماید: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾: باز شدن پنجره امید به روی انسان، شامل برخی از مؤمنان است، زیرا در این آیه به مؤمنانی اشاره می‌کند که عمل صالح انجام می‌دهند. طبق ادامه آیه، نتیجه آن دوری از خوف و ترس است.

گزینه ۳»

متن: صفحه ۴۰

ایجاد شور و نشاط در انسان معتقد به این دلیل است که وی می‌داند که هیچ‌یک از کارهای نیک او در آن جهان بی‌پاداش نمی‌ماند، حتی اگر آن کارها به چشم کسی نیاید و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او شود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آن‌ها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

این موارد همگی بیانگر عدل الهی است، در واقع چون معتقدان به معاد، خداوند را عادل می‌دانند، اطمینان دارند که حقی از آن‌ها ضایع نمی‌شود.

گزینه ۳»

متن: صفحه ۴۱

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل نمی‌سپزند، از این‌رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند.

گزینه ۴»

آیه: عنکبوت، ۶۴

قرآن کریم در آیه: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾، تفاوت میان دنیا با هستی بالاتر یعنی آخرت را در لهو و لعب بودن دنیا و حقیقی بودن سرای آخرت توصیف نموده است.

گزینه ۳»

ارتباط مفهومی: آیه و حدیث

هر دو بر موقتی بودن دنیا تأکید می‌کنند. در حدیث می‌گوید: برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید و در آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ﴾ هم‌چنین هر دو بر برتر بودن حیات آخرت نیز تأکید می‌نمایند. در حدیث می‌گوید: «برای بقا آفریده شده‌اید» در آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾

گزینه ۱»

مفهوم «هدف از آفرینش» در گزینه (۱) در آیه نیامده است.

مفهوم «ترسیم چهره حقیقی دنیا» در گزینه (۲) در حدیث نیامده است. مفهوم «ناپایداری آرزوهای انسان» در گزینه (۴) در هیچ‌کدام نیامده است.

گزینه ۱»

متن: صفحه ۴۰ / آیه: مائده، ۶۹

در پیامد نخست یعنی باز شدن پنجره امید و روشنایی آمده که: این شور و نشاط به این دلیل است که انسان معتقد به معاد می‌داند که هیچ‌یک از کارهای نیک او در آن جهان بی‌پاداش نمی‌ماند. در نتیجه اعتقاد به نظام جزا و پاداش عادلانه، علت این پیامد است.

آیه: ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ترسیم‌کننده این مطلب است.

گزینه ۲»

متن: صفحه ۴۱

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل نمی‌سپزند؛ از این‌رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند. از طرف دیگر همین عامل سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد.

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه (۱): مربوط به ثمره اول اعتقاد به معاد است.

گزینه (۳): معتقدان به معاد با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها زمینه رشد خود را فراهم می‌آورند تا با اندوختن کامل‌تری خدا را ملاقات کنند.

گزینه (۴): مربوط به ثمره اول اعتقاد به معاد است.

گزینه ۳»

متن: صفحه ۴۱

خداپرستان حقیقی معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند.

گزینه ۲»

حدیث: صفحه ۴۱

نترسیدن از مرگ سبب می‌شود آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند. از این‌رو، آن‌گاه که امام حسین (ع) در دوره‌ای ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید.

گزینه ۱»

گزینه (۱) نادرست است، زیرا باید به این‌گونه باشد: به دنیا دل نمی‌سپزند از این‌رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند. سایر گزینه‌ها نیز ارتباطی به صورت سؤال ندارد.

گزینه ۱»

متن: صفحه ۴۳

عده‌ای هستند که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این‌رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد. پس فرورفتن در هوس‌ها علت این است که دنیا را هدف و معبود خود قرار می‌دهند.

گزینه ۱»

دقت کنید غفلت از آخرت، نتیجه دنیا را هدف و معبود خود قراردادن است، نه علت آن.

گزینه ۳»

متن: صفحه ۳۹ / آیه: عنکبوت، ۶۴؛ مائده، ۶۹

با توجه به سخن رسول خدا (ص) که فرمود: «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا» در دیدگاه پیامبران الهی، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا است که قرآن کریم در آیه: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ﴾ تعبیر «لهو و لعب» را برای این امر به کار برده است.

ثمره و نتیجه دیدگاه پیامبران الهی، دوری از ترس و حزن از عاقبت زندگی خود است در آیه: ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ آمده است.

گزینه ۱»

در آیه: ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ...﴾ حرف «ف» نشان‌دهنده ثمره و نتیجه بودن عبارت پس از آن است.

گزینه ۴»

حدیث: صفحه ۴۱

امام حسین (ع) فرمود: «من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.» طبق این سخن، گزینه (۴) صحیح است.

گزینه ۱»

دقت کنید گزینه‌های (۱) و (۳) هم از لحاظ مفهومی صحیح‌اند اما مطابق سخن امام حسین (ع) تنها گزینه (۴) صحیح است. هم‌چنین نترسیدن خداپرستان، موجب عبور از سختی‌ها و وصول به سعادت نمی‌شود. بلکه ایشان این تعبیر را که در گزینه (۲) آمده، برای مرگ انسان مؤمن به کار برده است.

گزینه ۴»

آیه: عنکبوت، ۶۴ / جاثیه، ۲۴

بهای اندک دنیا در مقابل آخرت، از عبارت: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ﴾ برداشت می‌شود؛ زیرا دنیا را سرگرمی و بازی می‌دانند.

منحصر کردن زندگی به همین حیات فانی (زندگانی دنیا) از عبارت: ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتِنَا الدُّنْيَا﴾ برداشت می‌شود. زیرا می‌گوید: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست.

گزینه ۱»

«آل» علامت حصر است و مفهوم «منحصر کردن» از همین علامت قابل استفاده است. در صورت سؤال، انحصار زندگی به همین حیات دنیوی مورد توجه است، در نتیجه از میان عبارات: «ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.» و «زندگی و حیاتی جز همین زندگی دنیایی ما نیست» عبارت دوم پاسخ صحیح است.

گزینه ۳»

آیه: جاثیه، ۲۴

با توجه به عبارت: ﴿وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾: «ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.» کافران، روزگار را عامل نابودی می‌دانند، نه خداوند. در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا لَهُمْ بَذَلِكُمْ مِنْ عِلْمٍ﴾ یعنی این سخن را کافران از روی علم نمی‌گویند.

گزینه ۱»

توجه کنید عبارت ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا﴾ صرفاً انکار معاد است و سخنی درباره عامل مرگ بیان نمی‌کند.



۱۹۱ گزینه «۴»

متن: صفحات ۴۲ و ۴۳

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی‌نهایت‌طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که همین زندگی چندروزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شود و شادایی و نشاط زندگی را از دست می‌دهد و از دیگران کناره می‌گیرد و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شود.

۱۹۲ گزینه «۱»

متن: صفحه ۴۲

از پیامدهای مهم این نگرش (انکار معاد) برای انسانی که بی‌نهایت‌طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد.

گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چند روزه دنیا برایشان بی‌ارزش می‌شود.

۱۹۳ گزینه «۲»

آیه: جائیه، ۲۴

ما هی الّا حیاتنا الدّینیا زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست: کافران آفرینش را محدود به حیات دنیوی می‌دانند. (گزینه ۱) **موت و نحیا** همواره (گروهی از ما) می‌میریم و (گروهی) زنده می‌شویم: شروع زندگی در دنیا با مرگ و بسته‌شدن دفتر عمر عده‌ای دیگر همراه است. (گزینه ۴)

و ما یهلکنا الّا الدّهر ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند: نابودی انسان، در دیدگاه کافران، فقط وابسته به عامل دنیا (نه عوامل متعدد) است. (نادستی گزینه ۲)

ما لهم بذلک من علم ان هم الّا یظنون این سخن را از روی علم نمی‌گویند بلکه فقط ظن و خیال آنان است: انکار کافران امری یقینی نیست، بلکه از روی خیال است. (گزینه ۳)

۱۹۴ گزینه «۲»

متن: صفحات ۴۲ و ۴۳

منکران معاد گاهی برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارند که روزبه‌روز بر سرگردانی و یأس آنان می‌افزاید. گروهی نیز می‌کوشند که راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرند و خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

۱۹۵ گزینه «۲»

متن: صفحه ۴۳

این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این‌رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

۱۹۶ گزینه «۴»

آیه: جائیه، ۲۴

در ادامه آیه، قرآن خطاب به منکران معاد می‌گوید: ﴿ما لهم بذلک من علم ان هم الّا یظنون﴾

۱۹۷ گزینه «۱»

اندیشه و تحقیق: سؤال اول

با توجه به پاسخ کتاب راهنمای معلم به این سؤال، گزینه (۱) صحیح است: اینان در حقیقت دارای ایمان قوی نیستند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلباً به آن نگریده‌اند.

۱۹۸ گزینه «۲»

اندیشه و تحقیق: سؤال دوم

با توجه به پاسخ کتاب راهنمای معلم به این سؤال، میان توجه به آخرت و بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی تلازم برقرار نیست. بدین معنا که توجه به آخرت، لزوماً بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی را در پی ندارد. زیرا اعتقاد به آخرت باعث تصحیح زندگی و در پیش گرفتن اخلاق الهی نیز می‌شود.

۱۹۹ گزینه «۴»

آیه: جائیه، ۲۴

عبارت قرآنی: ﴿و قالوا ما هی الّا حیاتنا الدّینیا نموت و نحیا و ما یهلکنا الّا

الدهر﴾ بیانگر اندیشه منکران معاد است که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «ما لهم بذلک من علم ان هم الّا یظنون: این سخن منکرین از روی علم نیست بلکه فقط ظن و خیال است.»

۲۰۰ گزینه «۱»

متن: صفحه ۳۹

این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این‌رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

